

کعبه ستایی در شعر فارسی «با عنایت به سفرنامه‌های منظوم و موجود حج»

عیسی تقی پور

فارغ‌التحصیل دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

«حج زیارت کردن خانه بُود» حج ربّ البیت مردانه بُود» مولوی مدح و ستایش به عنوان یکی از اغراض اصلی شعر در نوع ادب غنایی حجم عظیمی از آثار منظوم شعرای فارسی گو را در تمام ادوار شعر فارسی در بر گرفته است. اوج هنرنمایی شاعران، در زمانی است که زبان به ستایش معصومین (ع) و اماکن مذهبی می‌گشایند. در این میان، کعبه ستایی در شعر فارسی، جایگاهی ویژه دارد. این تحقیق، نقد، بررسی، تحلیل و سیر تطوّر این نوع سروده را از آغاز شعر فارسی تاکنون شامل می‌شود. انگیزه اصلی اینجانب دل‌بستگی به موضوع تحقیق و تبیین جایگاه آن در ادبیات فارسی است.

واژه‌های کلیدی: کعبه ستایی، سفرنامه‌های منظوم حج، مکه، کلیسا، شعر غنایی.

مقدمه

همّت بدرقۀ راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم
 در اعماق دریای زخار آثار مدون ادبیات فارسی، شعر همچون گوهری نفیس، تجلی گر
 عواطف و احساسات و ذوق و لطایف هنری هر قومی است. شاعران در مقام پرچمداران هر قوم
 و ملت همواره نشان مجد و عظمت و افتخارات و عواطف و آرزوهای ملت خویش را بر دوش
 کشیده و این موضوعات را در تمام فنون ادب، از جمله اخلاق، پند، موعظه، عشق، حماسه، ...
 مدیحه و دیگر تفننات ادبی طبع آزمایی کرده‌اند. در تقسیم بندی انواع ادبی، ادب غنایی به دلیل
 اشتغال آن بر تنوع مضامین ادبی و همچنین نمودن احساسات و عواطف آدمی، از جایگاه خاصی
 برخوردار است. مدح، هجو، ... فخر و مرثیه و هر آنچه بر مدار روح شاعر قرار دارد از جمله
 عواطف، احساسات، لذات، مسرات، عشق، کینه و غم و ... موضوع ادب غنایی است. «از آنجا که
 خاطره‌نویسی و سفرنامه نویسی و زندگی‌نامه نویسی ادبی نیز با بیان احساسات و عواطف همراه
 است لذا می‌توان آنها را جزو ادب غنایی محسوب داشت». (شمیسا، سیروس، ۱۳۷۶، ۲۶۰)
 از میان موضوعات نوع غنایی، بویژه در ادبیات فارسی مدح و هجو بیشتر از دیگر اغراض
 شعر، مطمح نظر شاعران بوده است. به طوری که صفحات فراوانی از دیوانهای شاعران فارسی
 را در بر گرفته است. در این میان مدیحه‌های دینی، جایگاه ویژه‌ای دارند.

۱. کعبه ستایی

نوعی مدیحه سرایی مذهبی است که شاعران فارسی زبان، در آن خیلی هنر نمایی کرده‌اند
 به طوری که می‌توان گفت شاید کمتر شاعری باشد که به این موضوع نپرداخته باشد. در میان
 شاعران مشهور زبان فارسی، سنایی، عطار، خاقانی و مولوی بیش از دیگران در این میدان
 یگانه‌تازی کرده‌اند مخصوصاً خاقانی که صاحب نخستین سفرنامه منظوم حج یعنی تحفة‌العراقین
 است. همچنین بخش معتناهی از قصائد خاقانی نیز در توصیف کعبه و متعلقات آن و رفتار
 حاجیان است.

مقصود نگارنده از تحقیق در این موضوع، بیشتر تحلیل، بررسی و مطالعه یکی از اغراض
 اصلی شعر فارسی بوده است. این نوع شعر به تحقیق نسبت به دیگر انواع آن، در شناخت قوت و
 ضعف شاعران در ارائه سخن و فنون شاعری گویاتر است. زیرا کعبه نماد و تبلور تمام آمال و
 آرزوهای مسلمانان جهان است و شاعر در این نوع از شعر سرودن، مایه‌های خود را از زندگی
 روزمره و عقاید و باورهای عموم مسلمانان می‌گیرد که با زبان تخاطب و احساس راستین شاعر
 نیز موافق‌تر است.

۲. مراتب معنوی حج

«مراتب معنوی حجّ که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حجّ به طور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود.» حضرت امام خمینی

حجّ نمایشی پرشکوه از اوج رهایی انسان موخّذ از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار و آگاهی و مسؤولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی آشنایی دیرینه دارند و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم زنگار دل را با زلال زمزم توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی حجّ را نیز همچون سایر معارف اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانده و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایانده. اما هنوز راهی دراز در پیش است تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حج، شناخته و شناسانده شود. و مؤمن حج‌گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه‌الله و توقف انبیاء و اولیا بود، گام بگذارد...

آنچه اینک پیش رو دارید، برگ سبزی است از این دفتر.

بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست و در این راه پیشرفت‌های شایانی حاصل خواهد شد.

۳. حجّ در قرآن

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (قرآن کریم، آل عمران، ۳/ آیه ۹۶)

۴. نمونه‌ای از تاثیر آیات قرآن کریم در شعر انوری

خوان خواجه کعبه است و نان او بیت الحرام
نیک بنگر تا به کعبه جز به رنج تن رسی؟
بر نبشته بر کنار نان او خطی سیاه
لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشَقِّ الْأَنْفُسِ
که اقتباس است از کریمه «و تَحْمِلُ (ای الانعام) اِثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشَقِّ الْأَنْفُسِ
إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوْفٌ رَّحِيمٌ» (النمل، ۱۶/ آیه ۷).

سفر مرتبی مُرد است و آستانهٔ جاه
 به جرم خاک و فلک در نگاه باید کرد
 سفر خزانهٔ مال است و اوستاد هنر
 که این کجاست ز آرام و آن کجا ز سفر
 به شهر خویش درون بی خطر بُود مردم
 درخت اگر متحرک شدی ز جای به جای
 به کان خویش درون بی بها بود گوهر
 نه جور ازه کشیدی و نه جفای تیر
 که انوری در سرودن این قطعه از آیه‌های «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ» (روم، ۳۰/آیه ۴۲) و نیز «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (روم، ۳۰/آیه ۹) استفاده کرده است. (حلبی، علی اصغر، ۱۳۸۱، ۱۳۴)

۵. اسامی کعبه در قرآن کریم

خداوند سبحان، از کعبه به سه نام در قرآن کریم تعبیر فرموده است:

۱- کعبه: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ (مائده، ۵/آیه ۹۷)

مفسران گویند: خانهٔ خدا کعبه نامیده شده زیرا چهار گوشه دارد و عرب هر خانهٔ چهار گوشه را به خاطر برآمدگی چهار زاویه آن کعبه نامد چرا که «کُعبه» به معنای برآمدگی است و به همین جهت، به برآمدگی پای انسان «کعب» گفته می‌شود. در قرآن کریم «كَوَاعِبَ أَتْرَابًا» نیز به کار رفته است برای دخترانی که هنگام بلوغ، پستان آنها برجسته می‌شود. نیز گفته‌اند این نام از آن روست که کعبه نیز از میان و سطح زمین برآمده است. برخی عقیده دارند که این اسم، دلالت بر برجستگی و عُلو می‌کند و به برآمدگی روی پا از آن جهت «کعب» می‌گویند که بر مچ پا، عُلو و اِشراف دارد. و از آنجا که این خانه شریفترین و پرفضیلت‌ترین خانه‌های کرهٔ زمین است و از حیث زمان، نیز قدیمترین آنهاست، چنین نام گرفته است.

۲- مسجد الحرام: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (اسراء، ۱۷/آیه ۱)

در این جا مراد از «مسجد الحرام» مکه است، چرا که مکه و حرم، سراسر مسجد است و دارای حرمت، حسن و قتاده گویند: اِسرائ (سیردادن) از نفس مسجد الحرام بوده است و مقصود از مسجد الحرام، حرم است که بر مسجد احاطه دارد. از عبدالله ابن عباس نیز نقل شده است که تمامی نقاط حرم، مسجد است. (فخر رازی، ۲۰/۱۴۶)

۳. بَيْتُ الْعَتِيقِ: ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (حج، ۲۲/آیه ۲۹)
 در آیهٔ دیگری نیز آمده است: لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجْلِ مُسَمًّى ثُمَّ مَحَلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (همان سوره/آیه ۳۳)

در وجه این نامگذاری آمده است که کعبه را «عتیق» نامند زیرا «عتق» به معنای آزاد و رها کردن است و خدای تعالی آن خانه را از قید ملکیت هر آفریده‌ای رها ساخته و نخواسته است احدی مالک آن گردد.

وجه دیگری که برای این نام، گفته شده این است که این خانه از قید ویرانی به دست جبّاران آزاد است و هر کس در جاهلیت و اسلام، قصد ویرانی آن کرده، خدای تعالی او را هلاک ساخته است. وجه دیگر اینکه «عتیق» به معنای قدیم است و کعبه، قدیمترین خانه روی زمین است.

بلکه عده‌ای برآنند که خدای تعالی، پیش از آفرینش آسمان و زمین، آن را آفریده است و برخی معتقدند که خدای تعالی، کعبه را از غرق و نابود شدن به هنگام طوفان نوح، رهایی داد و بدین جهت عتیق نام گرفته است.

چه، آن هنگام که خداوند زمین را در طوفان غرق ساخت، آن را به سوی آسمان بالا برد و برخی گفته‌اند: این خانه عتیق خوانده می‌شود از آن روی که خدای تعالی، زائران آن را از آتش دوزخ رها و آزاد ساخته است. (امینی، محمد هادی، ۱۳۷۶، ۲۹)

پیروزی اسلام در مکه، باعث شد تا خانه خداوند و اطراف آن از لوٹ وجود بتها پاک شود و فضای مکه را اذان بلال که شعار توحید بود، در بگیرد. تا این زمان هیچ حصارى در اطراف مسجد الحرام نبود. تنها در اطراف کعبه، خانه‌های عربها بنا شده بود.

۶. اهمیت حج در روایات

تعبیراتی که درباره حج بیان شده، درباره کمتر عملی آمده است، مثلاً امام باقر (ع) می‌فرماید: «بُنی الاسلام علی خمسٍ ... الحج» بنای اسلام بر پنج پایه استوار است که یکی از آن پایه‌ها، حج است. (وسائل الشیعه، ۱/۷)

در ارکان اسلام:

گرت پرسد کسی روزی ز ارکان مسلمانی
شهادت گفتن از صدق و نماز پنج وقت از دل
بگو پنج است یا رب دار برما جمله ارزانی
زکات و روزه آنکه حج بیت الله چو بتوانی

چیزهایی که بر مُحرم حرام است:

مخیط و بوی خوش و سرمه روغن است و قسم
گواه عقد و نکاح و جماع و استمناء
شکار برو اشاره دروغ و فحش به هم
سواک و موی ستردن برون نمودن دم
نهفتن سر و پا مرد و زینت از خاتم
نقاب و زینت زن چتر مرد و کشتن قمل
نظر در آینه، قطع درخت و نبت حرم
(فراهی، ابونصر، ۱۴۰۲، ۱۶۱)

۷. حج، وسیله‌ی آزمایش

«بگذر از فرزند و مال و جان خویش تا خلیل‌اللهه دورانست کنند»
 امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند می‌توانست کعبه را در جای دیگری که خوش آب و هوا باشد قرار دهد، ولی وجود کعبه در آن سرزمین گرم و کوهستانی و دور از دریا و جنگل وسیله‌ی آزمایش مردم است تا مدعیان دروغین ایمان، از مؤمنان خالص شناخته شوند». (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، ۹۹/۲۹)

مکه، جایگاه زندگی، عبادت و دعوت انبیای خداست. مکه قبله‌ی نمازگزاران در طول تاریخ است. سفر حج، پرواز و کوچ و حرکت به سوی خداست. حج، سبب بخشش لغزشها و دور داشتن خود از هوسهاست. انسانی که در حج، برهنه می‌شود و در پارچه‌ای سفید و ندوخته، احرام می‌بندد، هم یادی از هنگام تولدش می‌کند که برهنه آمد و هم یادی از هنگام مرگش که چگونه خواهد بود.

حضرت علی (ع) در بیان فلسفه‌ی حج می‌فرماید:
 «وَإِخْرَاجاً لِلتَّكْبُرِ وَإِسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ» هنگام ورود به کعبه باید رو به خدا کرد و پشت به همه چیز و همه کس.

۸. کعبه از دیدگاه جهانگردان اروپایی

نوشته‌ی در پیش رو، ترجمه‌ای است از دو بخش کتاب «موسوعه العتبات المقدسه» (دائرة المعارف عتبات مقدس) ج ۲، بخش مکه از ص ۲۵۰ تا ۳۳۶ و ج ۳ بخش مدینه منوره از ص ۲۳۸ تا ۳۳۹ که به وسیله‌ی محقق و تاریخ نگار عراقی، دکتر جعفر الخلیلی (الخياط) از انگلیسی به عربی ترجمه شده و سرگذشت جالب و خواندنی ماجراجویان و جهانگردان — و احتمالاً جاسوسان و خبرچینان و پیشقراولان نیروهای استعمارگر — اروپایی است که با زحمات و مشقات فراوان، خود را به سرزمین وحی، یعنی مکه مکرمه و مدینه منوره رسانیده و این مجموعه‌ی تاریخی، جغرافیایی را در اختیار آیندگان قرار داده‌اند.

برخی از این افراد برای موفقیت سفر و مأموریت خود، افزون بر مطالعات تاریخی در خلق و خوی مردمان جزیره‌العرب و عموم مسلمانان و آگاهی اجمالی از مذاهب اسلامی و مختصری از احکام ضروری اسلام، مدت‌های مدیدی در یکی از سرزمین‌های اسلامی، اقامت می‌گزیدند تا بدینوسیله بتوانند خود را در لباس یک مسلمان واقعی درآورده و با گذر از میان اعراب نیمه وحشی و غارتگر به حرمین شریفین برسند. (الخلیلی، جعفر، ۱۳۸۴، ۱۰)

۹. ترتیب اعمال عمره حج به صورت رمز

حروف رمز منظومی در ترتیب اعمال عمره و حج، از مرحوم شیخ بهایی نقل شده است که از نظر تسهیل در آموزش خالی از فایده نمی‌باشد:

أَطْرَسْتَ لِلْعُمْرَةِ أَجْعَلُ نَهْجَ أَوْوُ أَرْتَحَطُ رَسَّ طَرْمَرُ لِحَجِّ

یعنی حروف «أَطْرَسْتَ» را برنامه «عمره» قرار بده و حروف «أَوْوُ أَرْتَحَطُ رَسَّ طَرْمَرُ» را برنامه «حج» خود بدان. اولی اشاره به اعمال پنجگانه عمره است به این شرح:
الف- اشاره به احرام / ط: طواف عمره / ر: رکعتین (دو رکعت نماز طواف) س: سعی بین صفا و مروه / ت: تقصیر (کوتاه کردن مو و ناخن) دومی اشاره به اعمال (چهاردهگانه) حج است به این شرح:

الف- اشاره به «احرام» / و: وقوف در عرفات / و: وقوف در مشعرالحرام
الف: افاضه (کوچ کردن) از مشعر به منی / ر: رمی جمره عقبه در روز عید
ن: اشاره به نحر (قربانی در منی) / ح: حلق یا تقصیر / ط: طواف حج
ر: رکعتین (دو رکعت نماز طواف حج) / س: سعی بین صفا و مروه
ط: طواف نساء / ر: رکعتین (دو رکعت نماز طواف نساء)
م: میبت در منی / ر: رمی جمرات ثلاث (روزهای ۱۱ و ۱۲ ذیحجه). (ضیاء آبادی، سیدمحمد، ۱۳۶۰، ۴۰۵)

۱۰. حج در آیینۀ شعر فارسی

در شعر و ادب فارسی، حج و کعبه و دیگر اماکن مقدّس، جایگاهی ویژه و بس والا دارد و سخنوران و ادیبان، هر یک از زاویۀ خاصّی به آنها توجه کرده‌اند. برخی از دید عرفانی بدانها نگریسته‌اند و در این بُعد آثار ارزنده‌ای از خود به جای نهاده‌اند. بعضی از دید اجتماعی با آن سخن گفته و یادگارهای ارزشمندی برای نسلهای بعد خود باقی گذاشته‌اند. شهرت حج و کعبه و دیگر اماکن مقدّس و ارزش معنوی آنها در نظر شعرا و ادبای ایران، آن چنان بوده و هست که از آنها به عنوان معیار برتری و ارزشمندی در مدایح خود استفاده کرده به صور گوناگونی در مخیله پویای خود از آنها تصویرهایی بدیع آفریده‌اند و آن همه را با تشبیه، استعاره، کنایه و دیگر صور خیال بیان کرده‌اند.

در این بخش خواهیم کوشید، دریافت و تعبیرات بعضی از شعرا در هر قرن را، در این مقاله به اجمال بررسی کنیم. بدیهی است تحقیق درباره همه شعرا و نویسندگان مقدور فرصت کم و بضاعت مزجات این بنده نیست پس به ناچار از هر چمن گلی انتخاب می‌کنیم و می‌کوشیم ترتیب تقدم و تأخر زمانی را رعایت کنیم.

۱. رودکی، از قدیمترین شعرای پارسی‌گوی ایران است. این شاعر تیره چشم روشن بین - که او را پدر شعر فارسی دری خوانده‌اند - در سال ۳۲۹؛ یعنی نیمه اول قرن چهارم، چشم از جهان فرو بسته و متأسفانه از آن همه اشعار نغز و پرمغز او، جز معدودی، آن هم به صورت

پراکنده در تذکره‌ها و کتب لغت، باقی نمانده است.

در بین معدود اشعار باقی مانده این شاعر شهیر، گاهی کعبه به عنوان چیزی که مایه افتخار و مباحثات است مطرح می‌شود و همانگونه که گفتیم در مدایح و یا غزلیات خود از آن سود جسته است.

رودکی در غزلی، چشمان سیاه محبوبش را مایه افتخار خود می‌داند، همانگونه که مکیان به کعبه و ... افتخار می‌کنند او به چشمان معشوق می‌بالد:

مکی به کعبه فخر کند، مصریان به نیل
فخر رهی بدان دوسیه چشمکان توست
ترسا به اسقف و علوی بافتخار جد
کامد پدید زیر نقاب از برد و خد
وقتی عشق، رودکی را همچون شیخ صنعان از کعبه به کلیسا می‌کشاند، خطاب به معشوق خود، از عشق او می‌نالد و این خود بیانگر ارزش کعبه است در نظر شاعر، هرچند به ظاهر وصف معشوق، منظور نظر شاعر بوده و هست.

از کعبه کلیسیا نشینم کردی
آخر در کفر بی قرینم کردی
بعد از دو هزار سجده بر درگه دوست
ای عشق، چه بیگانه ز دینم کردی
عید قربان یکی از مراسم پرشور اساسی و معنوی حج است، هم از آن جهت که با قربانی، اعمال حج به انتها می‌رسد و هم از نظر اهمیت که پایان آزمایش الهی از ابراهیم علیه‌السلام است.

رودکی به مناسبت عید قربان قصیده‌ای سروده و این عید را به ممدوح خود تبریک گفته است. (یزدانی، خلیل‌الله، ۱۳۷۹، ۲۰۲)

۲. حکیم ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی (متوفای سال ۵۳۵ ه. ش) از شاعران بزرگ قرن ششم است. پس از تغییر حالتی که در او به وجود آمد، به جرگه عرفا پیوست و از پیشوایان بزرگ عرفان و تصوف ایران شد. به طوری که مولوی او را دو چشم عرفان و تصوّف نامیده است. (سنایی غزنوی، ۱۳۶۲، ۸)

سنایی خود به سفر حج رفته و پس از سفر مکه به غزنین برگشته و تا پایان عمر در آن شهر مانده است. او همانند دیگر عرفا، بیشتر به ابعاد معنوی حج متوجه است. در اشعار وی، هم مدح هست هم حکایت و هم به صورت تشبیه و استعاره از کعبه و حج و متعلقات آن سخن گفته و عشق را برتر از زیارت کعبه و زهد و طامات و ... شمرده است:

خانه طامات عمارت مکن
کعبه آفاق زیارت مکن
نامه تلبیس نهفته مخوان
جامه ناموس قسارت مکن

(همان، ۵۰۶)

سنایی آنگاه که در سیاست مُدُن سخن می گوید، خطاب به یکی از اخلاف سلطان محمود غزنوی، وی را اینگونه نصیحت می کند و کعبه واقعی را دل می داند،

دل مؤمن چو کعبه دان به درست زمزم و رکن او مبارک و چست ...
کعبه را از بتان مطهر کن شمع توحید را منور کن
(سنایی غزنوی، حدیقه، ۱۳۶۸، ۵۸۸)

او در حدیقه گفته است:

از در چشم تا به کعبه دل عاشقان را هزار و یک منزل
(همان، ۳۴۰)

در مدح خواجه عمید ظهیرالملک ابی نصر احمد بن محمد الشیبانی چنین سروده است:

دین و دنیا مسلم دم اوست ز آنکه دل کعبه معظم اوست
حرمش همچو کعبه محترم است خانه او ز کعبه خود چه کم است؟!
(همان، ۶۱۳)

سنایی انسان را به ترک تعلقات مادی و تجرید دعوت می کند و می گوید: تا وقتی با خود هستی و خود را در نظر داری، در کعبه نیستی که در خراباتی.

۳. افضل الدین بدیل علی نجار شروانی (متوفای سال ۵۹۵ هـ . ق) از شعرای بزرگ قرن ششم است. خاقانی شروانی بیش از همه شاعرانی که در این مقاله مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته اند درباره حج سخن گفته است، مثنوی «تحفة العراقین» خاقانی را می توان جزو سفرنامه های حج منظور کرد. شاعر در تحفة العراقین علاوه بر مواردی که به صورت پراکنده، همانند دیگران از کعبه و زمزم تشبیه و استعاره و ... برای مدح ممدوحین خود سود جسته، از همان لحظه که قدم به بادیه حجاز گذاشته، به توصیف آن مشغول شده و گفته است:

در عرصه بادیه نهی روی نه بادیه بل ریاض خود روی ...
چون وادی ایمن از کرامت مشیره وادی قیامت
ز اندیشه مرد هیأت اندیش اندازه عرض و طول او بیش
از نور هزار حله بر وی وز حور هزار جلوه در وی ...
روح الله ساخته به ذاتش دارو کده ای زهر نباتش
از بوی گیاش خادم پیر خط سبز کند زهی عقاقیر ...
ثور و حمل اندرو گیاچر حوت و سرطان به مصنعثش در

(خاقانی شروانی، تحفة العراقین، ۱۳۵۷، ۱۱۶)

بیابانهای خشک و بی آب و علف و لم یزرع و انباشته از مار و سوسمار و پوشیده از خار

مغیلان، در نظر یک عاشق دلباخته و شیفته دیدار بادلدار، چگونه جلوه‌گری کرده است، بیابانی که در هر قدم به قدمش دزدان در کمین اند و قوافل را غارت می‌کنند، وادی آیمنش نامیده، شنهای روان بیابانهای خشک در نظر شاعر ما همچون حوران بهشتی جلوه‌گری می‌کنند! خاقانی آنگاه که قدم به بطحا می‌گذارد و شتران حاج را می‌بیند و صدای زنگ آنها را می‌شنود، به توصیف می‌پردازد و سخنش یادآور قصیده داغگاه فرخی سیستانی است، صدای زنگ شتران حاج در گوش خاقانی خوش‌آیند است که آنها را به صداهای آسمانی تشبیه کرده و از آن هم برتر شمرده است.

بر خـوان فلک صلاحینیدن	از رضوان مـرحبا شنیدن
الحان زبـور در مزامیر	یا حیّ مؤذنان به شبگیر...
آواز خروس در شب هـجر	دستان تیره زن گه فجر
این جمله خوش است لیک در سر	آواز درای ناقه خوشتر

(همان، ۱۱۷)

رهروان بیت‌الله وقتی به میقات می‌رسند برای عمره تمتع احرام می‌بندند.

آبی به حواله گاه احرام

خاقانی قصد آن ندارد که مناسک حج را به دیگران بیاموزد. او می‌گوید:

اعمال مناسک ار ندانی

از مجتهدانش بازخوانی

او به فلسفه احرام توجه کرده و گفته است: احرام دور ریختن تمام آن چیزهایی است که مایه تمایز است. همه باید لباس معمولی و رسمی خود را از تن در آورند و لباس یکرنگ و بدون هیچگونه مشخصه خاص را بپوشند.

بنهاده سران عمامه از سر...

افکنده مهان حمایل از بر

امـا ز بهار نو بهی تر

از شاخ به ماه دی تهی تر

عریان تیغ است روز میدان

عریانی هست زیب مردان

(همان، ۱۳۰)

شاعر عرفات را به مانند صحرای محشر دیده است که حج‌گزاران همچون جن و انس در

آنجا حاضر شده‌اند.

بیرون سیه و درون پر انوار

بینی حجرش بلال کردار

ر چهره کعبه خال مشکین...

آن سنگ زر خلاصه دین

زی زمزم راه درنوردی

از سنگ سیه چو بازگردی

چشمت به سواد اعظم افتد...

ز آنجا گذرت به زمزم افتد

محتاج طهارت است کوثر

با صفوت زمزم مطهر

(همان، ۱۳۰)

می‌دانیم که تحفة‌العراقین خاقانی سفرنامه منظوم است که شاعر توانای شروان مشاهدات خود را در سفر حج، که با اجازه شروانشاه انجام داده سروده است و اشاره کردیم که حدود سی صفحه کتاب و قریب چهار صد بیت در مورد تعریف و توصیف مکه، کعبه و اماکن و متعلقات آنهاست. چون نقل تمام موجب ملال خواهد بود به هر کدام اشاره‌ای کوتاه کرده و می‌گذریم، در خطاب به کعبه گفته است:

ای قطب مراد جان مردان گردت چو بنات نعش گردان...
مانی به عروس حجله بسته در حجله چهار سو نشسته ...
خاقانی از اینکه پوشش کعبه از بافته های غیرمسلمانان است، اظهار تأسف می کند و می گوید:

افسوس که جای شرمساری است مرکوب نه در خور عماری است
دارنده هاشمی شعاری پس جامه رومیان چه داری؟!...
کرده است حق از صوا بدیدت خاقانی را درم خریدت
خاقانی از این کثیف منزل دارد به تو روی خیمه دل...

۴. حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن زکی: نظامی گنجوی (متوفای ۶۰۱ ه. ق.) نظامی از شاعران بزرگ داستان سرای قرن ششم است. نظامی دل را کعبه واقعی می‌داند و در مخزن‌الاسرار می‌گوید:

آنک اساس تو بر این گل نهاد کعبه جان در حرم دل نهاد
(نظامی گنجوی، مخزن‌الاسرار، ۱۳۶۳، ۱۵۴)

و در مثنوی خسرو و شیرین گفته است:

مبین در دل که او سلطان جان است قدم در عشق نه کو جان جان است
هم از قبله سخن گوید هم از لات همش کعبه خزینه هم خرابات

(نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، ۱۳۶۲، ۳۴)

از شعر نظامی پیداست که بسیار مشتاق زیارت کعبه بوده ولی گویا توفیق زیارت نیافته است. چند گویی کعبه را کاینک به خدمت می‌رسم چون نخواندت هنوز از دور خدمت می‌رسان
(نظامی گنجوی، دیوان، ۱۳۶۸، ۲۴)

در خسرو و شیرین ضمن آمرزش خواستن گفته است:

به عزم خدمت برداشتم پای گر از ره یاهو گشتم راه بنمای
نیت بر کعبه آورده ست جانم اگر در بادیه میرم ندانم
او حتی در مدح طغرل و رفتن به نزد او و بازگشتنش، این اشتیاق به زیارت کعبه را در

اشعارش گنجانده است که کاملاً محسوس است:

چنان رفتم که سوی کعبه حُجَّاج
چنان باز آمدم کاحمد (ص) زمعراج

۵. عطار نیشابوری (متوفای ۶۲۷ هـ. ق) از عارفان بزرگ ایران و از پیشوایان شعرای متصوّفه این سرزمین است وی خودش به زیارت کعبه و انجام حج نایل شده است. عطار در عین حال که خود عارف بزرگی است، لیکن با اعمال بعضی از عرفا که بدون استطاعت و توان مالی و بدون این که خداوند تکلیف را بر دوش آنها گذاشته باشد به حج می‌روند و خود و دیگران را به زحمت می‌اندازند، مخالفت کرده و گفته است:

کسی کو سوی حج کردن هوا کرد
اگر حج کرد بی امرت خطا کرد

(فروزانفر، محمدحسن، ۱۳۵۳)

هرچند این سخن را عطار در الهی‌نامه از قول رابعه خطاب به بکتاش، که طبق این داستان دلدادۀ او بوده، گفته است ولی باید دانست که خود رابعه از کسانی بوده که هفت سال در راه کعبه بر پهلو غلتیده تا به حرم رسیده است:

رابعه در راه کعبه هفت سال	گشت بر پهلو زهی تاج الرجال
چون به نزدیک حرم آمد به کام	گفت آخر یافتم حجی تمام
قصد کعبه کرد روز حج گزار	شد همی عذر زاننش آشکار
بازگشت از راه گفت ای ذوالجلال	راه پیمودم به پهلو هفت سال
چون بدیدم روز بازاری چنین	او فکندی در رهم خاری چنین
یا مرا در خانه خود ده قرار	یا نه اندر خانه خویشم گذار...
که زپیش کعبه بازت می‌دهند	که درون دیر رازت می‌دهند

(عطار نیشابوری، منطق الطیر، ۱۳۴۸، ۱۰۰)

عطار نیز از جمله شعرایی است که در ارتباط با حج و کعبه سخن بسیار گفته، هم در قالب حکایت و داستان و هم به صورت ابیاتی جداگانه در موارد مختلف؛ به عنوان نمونه در مصیبت‌نامه در تعریف حج گفته است.

حج چیست از پا و سر بیرون شدن	کعبه دل جستن و درخون شدن
کعبه چیست اندر جوار افتادن است	توبه تو در ناف عالم زادن است

(عطار نیشابوری، مصیبت‌نامه، ۱۳۵۶، ۴۵)

عطار در منطق الطیر در ستایش پیامبر اکرم به امنیت کعبه اشاره کرده است.

۷. سنت سفرنامه‌نویسی

این شیوه از دیرباز، به شکل محدود، در بین اقوام و ملل دنیا مرسوم بوده، لیکن در دو قرن

اخیر توسعه و رواج قابل توجهی یافته است. سفرنامه نویسان، هر یک با تخصص‌ها و گرایش‌های فکری خود تلاش کرده‌اند تا آداب و رسوم مردم در شهرها و روستاها را بازگو نموده، به تشریح و توصیف اماکن و آثار تاریخی و حوادث و رویدادهای بین راه بپردازند. در میان سفرنامه‌ها، سفرنامه‌های مربوط به حج از اهمیت و جاذبه ویژه‌ای برخوردار است. نویسندگان چنین آثاری تلاش کرده‌اند تا چگونگی حج‌گزاری مسلمانان، شیوه رفتار آنان با یکدیگر، سختی‌ها و دشواری‌های گوناگون میان راه، کمبود و یا نبود امکانات مادی و رفاهی و ویژگی‌های هر یک از اماکن دینی و مذهبی شهرهای بین راه و به ویژه حرمین شریفین را تشریح و ترسیم کنند. محققان و اندیشمندان نیز در هر زمان کوشیده‌اند تا سفرنامه‌های پیشینیان را به زیور طبع آراسته، در اختیار نسل‌های بعد از خود قرار دهند. (قاضی عسگر، ۱۳۷۹، ۱۵)

۸. حج و سفرنامه

سفر کعبه نمودار ره آخرت است گرچه رمز رهش از صورت دنیا شنوند
(خاقانی شروانی، دیوان، ۱۳۵۷، ۱۰۳)

سیر و سفر، به صور گوناگون توصیه شده است. قرآن کریم که برنامه هدایت و دستورالعمل زندگی سعادت‌مندان انسانهاست، بارها پیروان خودش را به سیر و سیاحت تشویق و ترغیب فرموده است:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت ۲۹/آیه ۲۰)

سیر و سفرها در زمینه‌های گوناگون و با اهداف متفاوت انجام می‌شود، مانند طلب علم، شناخت خویشتن و اخلاق خود، مشاهده شگفتیها، سفرهای عبادی، (حج و زیارت مشاهد متبرکه) گریز از مشاغل دنیوی، تجارت، تماشا و تفریح و ... که در هر یک نهفته است. پرسودترین و ثمربخش‌ترین آنها سفر حج می‌باشد که منافع آن هم دنیوی است و هم اُخروی. بسیاری از مسافران از سفر خود یادداشت‌هایی تهیه می‌کنند، بعضی یادداشت‌های خود را تنظیم می‌کنند و به صورت مجموعه‌ای می‌نگارند و به شکل سفرنامه در اختیار آنها استفاده می‌کنند. سفرنامه‌هایی که در توصیف مناسک حج و آثار معنوی آن و مسیر سفر، به ویژه شهرهای مقدس مکه و مدینه است، از دیرباز تاکنون به رشته تحریر در آمده و انتشار یافته‌اند لیکن آنگونه که باید مورد بحث و بررسی قرار نگرفته‌اند. در حالی که این نوع نوشته‌ها از کاملترین و معتبرترین منابع درباره حجاز - از جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی - به شمار می‌روند.

قصد ما در این مقاله، بحث و بررسی و تحقیق در سفرنامه‌ها نیست که آن موضوعی گسترده است و وقتی جداگانه می‌طلبد. بلکه هدف بررسی اجمالی است در حدی که برخوردار نویسندگان آنها را با حجّ دریابیم، به عبارت دیگر، از طریق نوشته‌های آنها، با حجّ و اعمال آن و کیفیت انجام مناسک در دوران‌های مختلف تاریخ آشنا می‌شویم و تحولات را درمی‌یابیم و دیدگاه‌های این افراد را از زبان خودشان می‌شنویم و می‌شناسیم. به امید آنکه توفیق دست دهد و فرصتی پیش آید تا تک‌تک این سفرنامه‌ها، که هر یک در حدّ خود گنجینه‌ی پارزشی است، مورد نقد و بررسی همه‌جانبه قرار گیرد.

هرچند بهترین سفرنامه‌های فارسی که یک فرد ایرانی فارسی زبان، جریان کامل و دقیق هفت سال سفر خود را قدم به قدم و نکته به نکته در نهایت اختصار و ایجاز و در عین حال روشن و بدون ابهام نگاشته، سفرنامه‌ی ناصرخسرو در نیمه‌ی اول قرن پنجم است و لیکن رونق سفرنامه نویسی در ایران، از قرن سیزدهم آغاز گردیده است. (یزدانی، خلیل‌الله، ۱۳۷۹، ۱۲۲)

۹. سفرنامه‌ی ناصرخسرو

ناصرخسرو در سال ۴۲۷ هـ ق بر اثر خوابی که دید به عزم سفر قبله (حجّ)، خانه و کاشانه‌ی خود را ترک و از مشاغل دیوانی استعفا کرد و سفر هفت ساله‌ی خود را شروع و سیری در آفاق و تا حدودی در آنفس کرد و در تمام طول مدّت سفر با علما و دانشمندان نواحی مختلف در تماس بود و بر آموخته‌های خود می‌افزود چون هدف اصلی او سفر قبله بود، نخست از زندگی گذشته‌ی خود توبه کرد. او در ابتدای سفر به شرابخواری خود اعتراف کرده و گفته است: «قُولُوا الْحَقَّ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ». ناصرخسرو در این سفر هفت ساله، چهار بار حجّ کرد از این رو توصیف مکّه و دیگر اماکن و مراسم حجّ را بهتر از هر کس دیگری انجام داده است. ناصرخسرو در سفرنامه نویسی فضل تقدّم دارد، زیرا پیش از او سفرنامه‌ای که یک ایرانی به زبان فارسی نوشته باشد سراغ نداریم. نه تنها در فارسی که در عربی هم در ارتباط با حجّ و سرزمین حجاز اولین سفرنامه است.

می‌توان گفت که شیوه‌ی سفرنامه نویسی در ادبیات ایران را او پایه‌گذاری کرده است. در این مقاله هدف ما بیان سفرنامه‌هایی است که در ارتباط با حجّ و حوادث و اتفاقات مربوط به آن، به صورت منظوم سخن گفته‌اند، لذا می‌گوییم: کسی که وصف مکّه و خانه‌ی کعبه و اعمال حجّ را به دقت از این کتاب (سفرنامه‌ی ناصرخسرو) خوانده باشد و زیارت بیت‌الله الحرام او را دست دهد، با وجودی که فاصله هزار ساله در بین است، در انجام دادن اعمال حجّ از آنان که پیشتر به ادای این مراسم توفیق یافته‌اند، باز پس نخواهد ماند.

«در آغاز هیچ نبود، کلمه بود و آن کلمه خدا بود» «تورات»

۱۰. تحف العراقین

کهن ترین سفرنامه منظوم حج در زبان فارسی، منظومه های «تحفة العراقین» خاقانی شروانی، شاعر بزرگ و نامبردار قرن ششم هجری قمری است. (حکم آبادی، ح، ۱۳۸۰، ۸۶)

خاقانی این مثنوی را حدود سال های ۵۵۱ ه ق در سفری که به مکه و عراق عرب و عجم داشته، سروده است. (معین، محمد، ج ۵)

این اثر که بیش از سه هزار بیت دارد، مطالب و مضامین گوناگونی از قبیل وصف طبیعت و طبایع، نقل مواعظ، مدح انبیا و ائمه، تعریف بلاد و رجال و مشاهیر هر شهر، شرح مناسک حج و شرحی از خود و خویشاوندانش را در خود گنجانده است. (صفاء ذبیح الله، ۳۵۱)

۱۱. «تحف العراقین به شیوهی کارنامه»

تحفة العراقین خاقانی نیز منظومه ای به شیوه کارنامه است که شاعر در آن حوادث نخستین مسافرت خود را به مکه و منازلی که پیموده شرح می دهد و در هر شهر و ناحیت بزرگانی را که از دیدارشان بهره یافته، نام می برد و به بیان مقامات و مشاغلشان می پردازد.

خاقانی در این مثنوی، هنگام عزیمت به خراسان، به توصیف پاره ای از شهرهای مسیر راه و مردم آنجا پرداخته است. از جمله در ابیات مفصلی ابتدا در وصف زیبایی های قهستان، از جمله بوستان های پُر از گل، نخلستان ها، سروهای آزاد، و دیگر نعمت های آن شهر داد سخن داده و پس از آن به مذمت اهل صنعت و حرفت آن شهر پرداخته است.

نتیجه گیری

شاعران فارسی زبان در اشعار خودشان، با بدیعترین تشبیهات و توصیفات و تازه ترین ترکیبات و تعبیرات، زبان به کعبه ستایی گشوده و عشق و اشتیاق شبروان و بادیه سپران را به تصویر کشیده اند و کعبه، این عروس هر هفت کرده را به دلربایی از عارف و عامی بر اریکه ی عزت نشانده اند.

مخصوصاً عشق و اشتیاق خاقانی در اشعار خودش، خاکیان را به افلاک می رساند و روحانیان عالم بالا را به میهمانی زایران کعبه می کشاند. خیال کعبه، دیده ی مشتاقان را زمزم افشان می کند و عشق به سنت اعراب مهمان دوست، آتشی در مکه به پا می کند که عاشقان را از هند و چین بدان سو می کشاند؛ شبروان صادق هوی هوی گویان و اشک ریزان به سوی خاتون عرب می شتابند.

زایران، در پی وصال کعبه، در بزم مرقد مصطفوی (ص) به خوانسالاری محمد (ص) بر خوان

عزت می‌نشینند، خوانی که آبدستش از سلسبیل، آبدستانش از خورشید، جلابش آبدست رسول‌الله و خالاش از طوبی است. (معدن کن، معصومه، ۱۳۸۲، ۱۱)

شاعران مداح نیز از کعبه و متعلقات آن، به عنوان معیار و الگوی برتری استفاده کرده و ممدوحان خویش را به آنها تشبیه کرده‌اند. گاهی متاسفانه با غلو شاعرانه، ممدوحان را بر کعبه و متعلقاتش برتری داده‌اند.

شاعران عارف، از قبیل سنایی، عطار، مولوی و... کعبه دل را بر کعبه گل ترجیح داده و گفته‌اند:

دل بدست آور که حجّ اکبر است از هزاران کعبه، یک دل بهتر است
مرحوم خانم پروین اعتصامی در شعر «کعبه‌ی دل» طبق سلیقه و ذوق همیشگی خود، کعبه گل را با کعبه دل به مناظره می‌کشد و با ذکر ابیاتی دلنشین از زبان هر کدام از آنها، سرانجام همانند شاعران عارف، طرف کعبه دل را می‌گیرد و می‌گوید:

تو را گر ساخت ابراهیم آزر مرا بفراشت دست حیّ داور
کسی بر مهتران، پروین مہی داشت که دل چون کعبه، ز آرایش تهی داشت
(اعتصامی، پروین، ۱۳۶۹، ۳۵۵)

آنچه در این مقاله آورده شد، مرور و آشنایی اندکی بود با موضوع بسیار با اهمیت و پردامنه‌ی «کعبه‌ستایی در شعر فارسی»، امید است همین مختصر بتواند راهگشایی باشد برای شناساندن موضوع و جایگاه والای آن در شعر و ادب فارسی.

منابع

- علاوه بر قرآن کریم و نهج البلاغه از منابع زیر استفاده شده است.
- ۱- اعتصامی، پروین، دیوان اشعار، تهران، کتاب نمونه، ۱۳۶۹ ه. ش.
 - ۲- الخلیلی، ج، مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ ه. ش.
 - ۳- امینی، محمد هادی، تاریخ مکه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ه. ش.
 - ۴- حافظ شیرازی، دیوان غزلیات، خطیب رهبر، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۶۳ ه. ش.
 - ۵- حکم آبادی، م، نخستینه‌های تاریخ ادب فارسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ه. ش.
 - ۶- حلبی، ع. ۱، تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ ه. ش.
 - ۷- خاقانی شروانی، دیوان اشعار، عبدالرسولی، تهران، مروی، ۱۳۵۷ ه. ش.
 - ۸- خاقانی شروانی، مثنوی تحفه‌العراقین، قریب، تهران، ۱۳۵۷ ه. ش.
 - ۹- سنایی غزنوی، م، حدیقه‌الحقیقه، مدرس، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ه. ش.
 - ۱۰- سنایی غزنوی م، دیوان، تهران، سنایی، ۱۳۶۲ ه. ش.
 - ۱۱- شمیسا، س، انواع ادبی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۶ ه. ش.

- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران.
- ۱۳- ضیاء آبادی، س. م، حج، برنامه تکامل، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰ ه. ش.
- ۱۴- عطار نیشابوری، مصیبت نامه، نورانی وصال، تهران، زوار، ۱۳۵۶ ه. ش.
- ۱۵- عطار نیشابوری، منطق‌الطیر، گوهرین، تهران، نشر کتاب، ۱۳۴۸ ه. ش.
- ۱۶- فخر رازی، تفسیر کبیر.
- ۱۷- فراهی، ابونصر، نصاب الصبیبان، تهران، مجمع علمی اسلامی، ۱۴۰۲ ه. ق.
- ۱۸- فروزانفر، م ح، تحلیل آثار عطار، تهران، دهخدا، ۱۳۵۳ ه. ش.
- ۱۹- قاضی عسگر، س. ع، سفرنامه میرزا داود، تهران، مشعر ۱۳۷۹ ه. ش.
- ۲۰- مجلسی، محمداقبر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۲۱- معدن کن، معصومه، بزم دیرینه عروس، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲ ه. ش.
- ۲۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۵، ذیل «تحفة‌العراقین».
- ۲۳- نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، دستگردی، تهران، علمی، ۱۳۶۲، ه. ش.
- ۲۴- نظامی گنجوی، دیوان، نفیسی، تهران، فروغی، ۱۳۶۸، ه. ش.
- ۲۵- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، ثروتیان، تهران، توس، ۱۳۶۳ ه. ش.
- ۲۶- وسائل الشیعه، ۷/۱.
- ۲۷- یزدانی، خ. ا، حج در ادب فارسی، قم، مشعر، ۱۳۷۹ ه. ش.